

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### غزه را چگونه یاری کنیم؟

(ترجمه)

الله سبحانه وتعالی غزه و بقیه شام و مردمش را از سوی امت اسلامی خیر کامل و شامل نصیب گرداند! زیرا گروهی از جوانان با ایمان آن در 7 اکتوبر لذت نصرت و پیروزی را در میان امت زنده و آن را نسبت به واقعیت آن آگاه ساخت، رژیم یهود را خوار و ذلیل و شأن و شوکت پوشالی اش را شکستاند، دژهای شان را سست و دیوار ترس و هراس شان را درهم شکستاند و از این قول الله سبحانه وتعالی که یهودیان ترسو بوده و فقط از پشت دیوارها با ما می جنگند؛ یک تصویر واقعی ارائه کرد و درگیری را در میان خودشان جهت داد.

الله سبحانه وتعالی غزه هاشم را جزای خیر دهد! غزه سبب شد تا امت اسلامی پلیدی های جاهلیت را از خود دور و به هر تعصب نژادی، مفکوره پست نیشنلیستی و سکولاریسم غربی که توسط پاسداران و دست نشانده های غرب کافر برای نابودی وحدت امت توسط مفاهیم پلیدش بالای امت تحمیل شده بود، پشت کند. غزه امت را بیدار نمود، تا جایی که امت به فضل جهاد که الله سبحانه وتعالی مردم غزه را توفیق داد و به رسم نیک شهادت غبطه خورده و جملگی ندا سر دادند: "الله اکبر، الله اکبر... لبیک یا غزه".

این همان چیزی است که غرب کافر را به وحشت انداخت و عزم حکام مضر را در سرزمین های اسلامی سست کرد؛ به دلیل این که شری را که در دامان مسلمانان کاشته بودند، به چشم سر دیدند که در حالت تزلزل و در آستانه فروپاشی است. جوانان امت از انفالی که الله سبحانه وتعالی از قبیل سلاح و تجهیزات جنگی نصیب شان کرده بود، اسیر و غنیمت می گرفتند. بلی، کاری کردند که از لشکر الله سبحانه وتعالی توقع می رود و امت، این لشکر را صدا زده و گفت که آنچه را برادران بوزینه و خوک تخریب کردند، ترمیم می کنیم و اسلحه و دارایی های مان به خدمت تان است. دشمنان نگران بودند که امت چه واکنشی نشان خواهد داد و صدق احساسات امت و افزایش بیداریش را می دیدند و مکر و پلان شان بر محور این بود که چگونه امت را توسط دستگاه تبلیغاتی جنایت کار که برای خدمت کفر و کفار و حمایت منافع شان ساخته شده؛ از راه حل اساسی و مبدئی منحرف سازند؛ با این تأکید که تنها راه حل، بازگشت به قانون بین الملل و راه حل ایجاد دو دولت و نجات مردم غزه با کمک های بشردوستانه مانند غذا و دوا است...!

امت یقین دارد که فلسطین یک سرزمین بیگانه نبوده، بلکه از خود بوده که اشغال گشته است. لذا بر امت از دید انسانی واجب است با فلسطین یکجا خشم گرفته و برای برطرف کردن این ظلم، خشم و غضب نماید؛ بلکه نظر به این قول الله سبحانه وتعالی برای هر مسلمان واجب است که از فلسطین حمایت و برای زدودن ظلم از وی، خشم و غضب نماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [اسراء: 1]

**ترجمه:** تسبیح و تقدیس خدائی را سزااست که بنده خود (محمد پسر عبدالله صلی الله علیه وسلم) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو نمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی‌گمان الله بس شنوا و بینا است (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از نهن می‌ماند).

مضمون این آیت را رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز بیان داشتند، چنانکه ابن عمر رضی الله عنه از ایشان روایت کرده است: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَامِنَا...؛ پروردگارا! برای ما در سرزمین شام ما، خیر و برکت عنایت فرما...» به یک کلام باید گفت: فلسطین عقیده و ایمان بوده و وجه برادری ما اینست که آن‌ها یعنی ما و ما یعنی آن‌ها...

غرب کافر استعمارگر، برای پراکنده کردن دیدگاه امت از طریق نیم‌چه سیاسیون‌ها در سرزمین‌های عرب و تمام سرزمین‌های مسلمانان کار کرده و غرب کافر، این سیاسیون را برای هم‌چو روزهای آماده ساخته و برای مهار کردن همه جنبش‌ها و حرکات امت در چنین رویدادهای اقداماتی انجام داده تا آن‌ها را تنها به نکوهش‌های که اوضاع را بدتر می‌کند مشغول سازد. بلی توسط این دست‌نشاندهای خود سعی کرد تا ارتش‌های امت را در قرارگاه‌های حبس کند و فقط علیه خودشان از آن‌ها کار گیرد و آن‌ها را مسئول حفظ تاج‌وتخت خائنان و منافع دشمنان گشتاند و توسط شان مفکوره جهاد و مبارزه برای آزادسازی سرزمین اشغالی از تحت سیطره کفار را یک مفکوره غلط خواند و فاعل چنین عملی را تروریست خواند و جنگ با وی را ضروری قلمداد کرد! و تمام مسأله فلسطین را به این خلاصه کرد که مردم آن در صورتی حق دارند که دولتی داشته باشند که آن دولت، حاصل مذاکرات و سیاست صلح باشد و هرکس خواهان غیر این باشد؛ طبق قانون بین‌المللی، کشتن‌اش جایز است!

رسول الله صلی الله علیه وسلم چه راست فرمودند:

«لَا تَزَالُ عِصَابَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى أَبْوَابِ دِمَشْقَ، وَ مَا حَوْلَهُ وَ عَلَى أَبْوَابِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ مَا حَوْلَهُ، لَا يَضُرُّهُمْ خُدْلَانِ مَنْ خَدَلَهُمْ ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ أَلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»

**ترجمه:** همیشه و بطور مداوم در میان امتم، گروهی نیرومندی هستند که بر دروازه‌های دمشق و اطراف آن و بر دروازه‌های بیت المقدس و اطراف آن مبارزه و جهاد کرده و آنانی که آنان را رها نموده‌اند و به شکست مواجه ساخته‌اند؛ نمی‌توانند به آن‌ها ضرری برسانند و پشتیبان و حامی حق بوده و آن‌ها به همین منوال وجود خواهند داشت تا آنگاه که قیامت برپا شود.

پس رئیس‌جمهور بزرگ‌ترین دولت جهان را مجبور کردند تا به منطقه عسایه بیاید تا بفهمد که چه خبر است، تا شاید امر طوفان امت را که نفوذ وی را تهدید می‌کند، مانع شود؛ طوفانی که نزدیک است این رژیم مسخ شده‌ای را که ملت کفر و اتباعش برای تثبیت آن در سرزمین‌های ما کار می‌کنند، پایان بخشد.

اما امت، گرمای خشم در وجودش می‌جوشد و تک تک سلول‌های آن خیزش دارد تا توجه کامل وی روی مسأله غزه قرار گیرد و همه دغدغه‌هایش در سطوح پایین‌تر عقب‌نشینی کند. امت اسلامی باید بداند که این نبرد، نبرد هستی و نیستی و یا مرگ و زندگی

است و باید بداند که دشمن تصمیم جنگ را اتخاذ کرده و برای این تصمیم اش تمام تجهیزات خود را آماده و لشکریان پیاده و سواره خود را فراهم کرده است و با دار و دسته خود وارد میدان شده و در این زمینه، از هیچ تلاشی دریغ نورزیده و پرده غفلت را کنار زده است. با این حال، باید صحنه درگیری را با واقعیت و شدت تلخی آن درک کرد:

**الف-** دشمن در حال برنامه ریزی، ترسیم و آماده سازی تجهیزات است که توسط نیروهای نظامی اش، بلکه در واقعیت توسط امریکا فرماندهی می شود. این فرماندهی از روی دلسوزی یا موضعی نبوده، بلکه آن ها جنگ جویان، فرماندهان و جهت دهندگان جنگ بوده که انگلیس ها، فرانسوی ها و آلمانی ها با آن ها متحد بوده و حکام خیانت کار نیز در این مسئله تابع شان هستند.

**ب-** امت تنها مانده است، خیانت کاران مزدور و دست نشانده با سرنوشت وی بازی کرده و آن را اداره می کنند، تلاش دارند تا با اجازه تظاهرات خشم و غضب امت را فروکش نمایند و وی را با تقدیم کمک ها غافل و منحرف سازند؛ گویا که مسأله غزه و فلسطین یک مسأله بشردوستانه بوده و مشکل، یک بیماری همه گیر است که مردم را فرا گرفته و با کمک های بشردوستانه و دوا باید به نجات شان شتافت! امت تنها مانده است و اهل رباط از مردم غزه و فلسطین از امت نمایندگی کرده و تجاوزات کفار را با مشت خود دفع کرده و با گوشت و خون خود، بهایی را می پردازند که تمام کوه ها از پرداخت آن عاجز اند. چیزی که امروز شرم آور است؛ نهادن اشک به جای شمشیر است. اطفال غزه به روی هر بی حیایی سیلی محکمی زده است؛ به صورت کسی که با فرستادن مال به آن ها منت می گذارد؛ درحالی که اعضای بدن شان تحت بمباردمان برادران بوزینه ها و خوک ها متلاشی و تکه تکه می گردد که برای تشخیص بین اعضا، نام های شان را بر روی عضوهای سالم می نویسند! آیا خجالت نمی کشیم که اخبارشان را دنبال می کنیم و حال آنکه واژه صبر از صبر و استقامت شان خجالت زده شده است؟! آیا مردم ندانسته اند که امروز نوبت اجرای نقش کسانی است که آن ها را امت برای چنین روز بد و ناگواری آماده کرده است؟! پس مردم منتظر چه حادثه ناگواری هستند تا با وقوع آن، فرزندان شان از اهل قدرت و سلطه و از ارتش های نیرومند مدال بسته به سینه و سربازان تعلیم دیده در رژه ها حرکت و خیزش کنند؟! شما به چشم یقین درک می کنید که تنها چیزی که بین شما و بین ادای آنچه که الله سبحانه و تعالی بالای تان فرض نموده است، همین حکامی اند که اوامر کفار را درباره ما اطاعت می کنند.

شما خوب می دانید که راه حل، اینست که آنان را از تاج و تخت حکمرانی شان کنار زنیم و امر را به امت بسپاریم و از طرف امت کسی را بگماریم که به نیابت از آن به کتاب الله و سنت رسول الله حاکمیت کرده و دعوت اسلام را به جهانیان عرضه دارد.

موقفی که امروز باید اتخاذ کرد؛ همان موقفی است که عقیده اسلامی تعیین کرده یعنی همان چیزی است که رب ما در چنین مواقعی اجرای آن را از ما می طلبد. این مسأله، مسأله هستی و نیستی و جنگ ایدیولوژیک بوده که با غذا، لباس و دارو حل نشده، بلکه فقط با اسلحه و سلاح حل می شود و این تنها مکلفیت و مسئولیت لشکریان است و بس. لذا، امروز بار مسئولیت و نقش حمایت بعد از الله سبحانه و تعالی؛ بر دوش امت و اهل قدرت و زورمندانیش که در میان ما هستند می باشد...

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَافَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ \* إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

**ترجمه:** ای مؤمنان! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: (برای جهاد) در راه الله حرکت کنید، سستی می‌کنید و دل به دنیا می‌دهید؟ آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می‌دهید؟ آیا سزد که چنین کنید؟) تمتع و کالای این جهان در برابر تمتع و کالای آن جهان، چیز کمی بیش نیست. اگر برای جهاد بیرون نروید، الله شما را (در دنیا با استیلاء دشمنان و در آخرت با آتش سوزان) عذاب دردناکی می‌دهد و (شما را نابود می‌کند و) قومی را جایگزین تان می‌سازد که جدا از شمایند (و پاسخگویی فرمان الله اند و در اسرع وقت دستور او را اجرا می‌نمایند. شما بدانید که با نافرمانی خود تنها به خویشتن زیان می‌رسانید) و هیچ زبانی به الله نمی‌رسانید (چرا که الله بی‌نیاز از همگان و دارای قدرت فراوان است) و الله بر هر چیزی توانا است (و از جمله بدون شما هم می‌تواند اسلام را پیروز گرداند و هم چنین شما را از بین ببرد و دستة فرمانبرداری را جانشین شما کند).

برگرفته شده از شماره 466 جریده رایه

نویسنده: عبدالرؤف العامری

مترجم: محمد مزمل